نگاه

دادگاه کهریزک غیرعلنی اما بی‌نظیر

صالح نیکبخت
حقوقدان

● شاید پرداختن به مساله بازداشتگاه کهریزک و مصایبی که در آن اتفاق افتاد، اکنون موضوعی کهنه تلقی شود و پرداختن مجدد به آن ضرورتی نداشته باشد. با این حال این حادثه چنان آثاری برجای گذاشته است که خون «آن قربانیان پار / آن گل‌های سرخ؟ ... .»۱ هدر نرفت و می‌رود که هرگز بازداشتگاهی مانند کهریزک و آنچنان رفتاری که با آن بازداشت‌شدگان شد، تکرار نشود. شاید بر نگارنده خرده گیرند که با چه معیاری اینقدر خوشبینانه چنین قضاوتی می‌کنم؟ اتفاقات کهریزک غیرقانونی و غیرانسانی بود و آثاری به‌جا گذاشت که ایجاد چنین بازداشتگاه‌هایی به آن صورت و نحوه اداره مدیریت آن و رفتار با بازداشت‌شدگان پایان یابد.

در ماجرای کهریزک همه ارکان نظام جمهوری اسلامی نسبت به آن واکنش نشان دادند و این حادثه قوای سه‌گانه را درگیر کرد و بلافاصله دستور تعطیلی آن از سوی رهبری صادر شد. با این وجود به گفته دادستان مسوول این حادثه، وزیر وقت اطلاعات در جلسه عصر یکشنبه ۸۸/۴/۲۱ این دستور لازم‌الاجرا را به دادستان وقت تهران ابلاغ کردند و علی‌القاعده باید بلافاصله اجرا شود اما دستور اجرا نشد و حتی از انتقال بازداشت‌شدگان روز ۱۸ تیرماه سال ۸۸ به زندان اوین سرپیچی شد. شاید تعجب‌آور باشد اگر بگوییم در صورتی که این دستور که ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۸۸/۴/۲۲ توسط دبیر وقت شورایعالی امنیت‌ملی به مقام‌قضایی مسوول نیز ابلاغ شد، اجرا می‌شد باز هم «آن قربانیان پار آن گل‌های سرخ؟ ...» با چنین سرنوشتی مواجه نمی‌شدند زیرا ۱۳نفر از برجسته‌ترین پزشکان قانونی کشور در اظهارنظر پزشکی خود در مورد علت و زمان فوت مرحومان: امیر جوادی‌فر، محسن روح‌الامینی و محمد کامرانی اعلام کردند: «فوت آنان به علت جراحات وارده بر نسوج نرم بدن قربانیان و عفونت‌های ایجادشده در طول مدت ۷۲ ساعت قبل از فوت آنان بود.» اندک تاملی بر این اظهارنظر علمی و بررسی قضایی نشان می‌دهد که تا چه اندازه به این جوانان و دیگر ۱۴۳ نفر بازداشت‌شدگان اعزامی در عصر روز جمعه ۱۹ تیر به این بازداشتگاه سخت گرفته شده است؛ کسانی که رنج ماندن ۹۰ ساعته در این بازداشتگاه بدون غذای مناسب و حداقلی و آب آشامیدنی و بدون هرگونه امکانات بهداشتی و درمانی در گرمای ۴۰ درجه کهریزک را تحمل کرده و هرروز، دوبار در آن گرمای سوزان باید در حیاط بازداشتگاه کلاغ‌پر یا پامرغی راه بروند و بدرفتاری‌هایی از این دست را شاهد باشند. ماجرای مسعود علیزاده یکی از بازداشت‌شدگان یا کسی که از ساعت یک شب تا شش صبح در آن صحرای کهریزک زنده تا سینه چال شده بود قابل تعریف نیست. اما خیلی زود حقایق از آن چهاردیواری فلزی فراتر رفت و تمام مرزهای کشور را درنوردید. شاید کمتر کسی باور می‌کند که اولین عکس‌العمل منفی که به این اقدام مقامات قضایی اعزام‌کننده بازداشت‌شدگان به کهریزک پس از انتقال آنان به زندان اوین و دستور بستن آن صورت گرفت از طرف مقامات قضایی استان تهران بود که هیات ۱۱نفره به ریاست قائم‌مقام رییس کل دادگستری استان تهران با وجود اینکه دادستان وقت تهران (مرتضوی) مانع ملاقات آنان با همه بازداشت‌شدگان در بندهای مختلف اوین شد، شرافتمندانه نوشتند آنچه که باید بنویسند و نیمه پنهان آن شعارهای دروغین که زیان عمده‌ای برای اعتبار و جایگاه قوه‌قضاییه ایجاد می‌کرد را برملا کردند. خوشبختانه سازمان بازرسی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات هم به‌درستی به وظیفه قانونی خود عمل کردند و افرادی که در گذشته چندین پرونده تخلف انتظامی و سابقه محکومیت انتظامی هم داشتند و اجرا نشده بود، این‌بار نتوانستند از چنگال قانون فرار کنند.

کمیته ویژه مجلس هم در برملاکردن اقدامات خلاف قانون آن مقام قضایی نقش اساسی خود را ایفا کرد و گزارشی قرائت شد که برخی بخش‌ها را مورد بررسی و واکاوی قرار داده بود. پرونده تخلف مسوولان انتظامی هم در دادسرای نظامی سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی و احکام لازم صادر شد. چون پیش از رسیدگی به تخلفات دادستان وقت تهران و سایر قضاتی که مسوول بودند، باید مصونیت قضایی آنان برداشته شود، با تحقیقات اولیه مفصل و شایسته‌ای پرونده‌ای برای آنان تشکیل شد؛ اهالی قضا باید نام بازپرس و دادستان و قاضی دادگاه‌های نظامی و انتظامی را همیشه به خاطر سپرده و از کوشش آن «حقگذاران» یاد کنند. محاکمه مسوولان نظامی بازداشتگاه کهریزک تنها پاسخ خواست اولیای‌دم قربانیان و مصدومان و مجروحان کهریزک و افکار عمومی نبود، سلب مصونیت قضایی قضاتی که مسوول اعزام بازداشت‌شدگان به کهریزک بودند و محاکمه آنان یکی دیگر از خواست‌هایی بود که دادستان عمومی و انقلاب تهران باید انجام می‌داد. خوشبختانه این اقدام هرچند با نواقصی صورت گرفت و برای آن سه نفر یعنی دادستان وقت، معاون و یکی از دادیاران نیز کیفرخواست صادر شد.

ادامه در صفحه ۷

گفت‌وگوی «شرق» با پدر محمد کامرانی:

منتظر نظر دیوانعالی کشور هستم

حامد طبیبی: نزدیک به پنج‌سال از حادثه تلخ بازداشتگاه کهریزک می‌گذرد اما هنوز وقتی علی کامرانی درباره لحظه‌ای که به بیمارستان لقمان قدم گذاشته و با محمد روبه‌رو شده‌اند، سخن می‌گوید برای لحظاتی اشک به وی امان نمی‌دهد. وی تاکید می‌کند هدف از پیگیری پرونده، علاوه بر مجازات خاطیان، جلوگیری از تکرار آن است. گفت‌وگوی «شرق» با وی را می‌خوانید:

نمایی از بازداشتگاه کهریزک در طرح جمع‌آوری اراذل و اوباش

از اعلام خبر بازداشت محمد تا یافتن او در بیمارستان، حدودا چه بازه‌ای طی شد؟

من ۱۷تیر سال ۸۸، عازم سفر به اصفهان بودم. محمد به‌دلیل کنکور پزشکی که در ۲۶تیر برگزار می‌شد علاقه‌مند بود در تهران بماند و به مرور درس‌ها بپردازد. همسرم هم تاکید داشت در دو شبی که ما برای فاتحه‌خوانی در اصفهان هستیم، محمد به خانه دایی‌اش برود. روز پنجشنبه ۱۸تیر قبل از اینکه به منزل دایی خود برود با یکی از دوستانش به نام آقای محمد فرخی یگانه- همان شخصی که با هم در آن سه، چهار روز در بازداشتگاه بودند- در پاساژ ایرانیان برای یک کار خدماتی نرم‌افزاری گوشی همراه قرار می‌گذارند. بعد از اتمام کار خود به سمت چهارراه ولیعصر می‌روند و نزدیک خیابان دمشق خانواده‌ای که از آنجا عبور می‌کردند از محمد و دوستش می‌پرسند که چرا نیروی انتظامی در خیابان است؟ آنان ابراز بی‌اطلاعی می‌کنند و بعد باز این خانواده می‌پرسند امروز قرار راهپیمایی در کجاست؟ اینها هم بر اساس نقل‌قول‌هایی که شنیده بودند می‌گویند که شنیده‌ایم در میدان انقلاب است و ادامه مسیر می‌دهند. بعد از این، شخصی که کنار ایستاده بوده آنها را صدا می‌کند. آقای فرخی می‌گوید به محض اینکه ما نزدیک شدیم آن شخص با آن شدتی که داشت به صورت هر جفتمان سیلی زد که عینک محمد روی زمین پرت شد. بعد هم که آنها را به مینی‌بوس ون منتقل می‌کنند و کلانتری خیابان فلسطین می‌برند که رفتار درستی هم صورت نمی‌گیرد. تا پایان شب، تعداد بازداشتی‌ها بیشتر می‌شود و بعد هم که به پلیس پیشگیری واقع در ضلع‌جنوبی میدان انقلاب منتقل می‌شوند. فردای آن‌روز به جهت تعداد زیاد، فردی می‌آید و پرسش‌هایی را مطرح می‌کند و فرم‌هایی به آنها می‌دهد.

شما چه زمانی از سفر بازگشتید؟

غروب جمعه بود و گفتیم فردا می‌رویم محمد را از خانه دایی می‌آوریم اما شنبه بود که پسرخاله‌های محمد به محل کار من آمدند و این برای من غیرمنتظره بود که چرا اینها به اتفاق پیش من آمدند. آنجا گفتند محمد دستگیر شده است و از دلایل آن ابراز بی‌اطلاعی کردند. پس از برخی تلاش‌ها، با افرادی که در پلیس امنیت و وزارت کشور مسوولیتی داشتند و بر اساس ظاهر امر با ما همکاری داشتند، ارتباط گرفتیم اما ثمری نداشت. تا اینکه از وزارت کشور شخصی ما را به پلیس امنیت راهنمایی کرد.

من فهرست افراد بازداشت‌شده را دیدم و از آنها پرسیدم بچه‌های ما کجا هستند و ایشان از اینکه بگوید که کجایند خودداری کرد و گفتند ناراحت نباشید به زودی آزاد خواهند شد. توضیح دادم که کنکور دارد و هر ضمانتی لازم باشد می‌سپارم و پس از آن هم اگر مرتکب خلافی شده باشد، او را بازمی‌گردانم. بعد از آن یکی از دوستان در دادگاه انقلاب کار را پیگیری کرد و مشخص شد به قرار نیاز است و پسرخاله محمد زودتر از ما رفت تا بعضی از کارهای اداری و... را در اوین انجام دهد. بعد از اینکه به اتفاق خانواده جلو در زندان اوین حضور پیدا کردیم، با پسرخاله‌اش تماس گرفتیم گفت همراهان را به منزل ببرید و خودتان به سمت جنوب تهران در کهریزک بیایید. باز هم تماس گرفتم و گفتند به بیمارستان لقمان بروم. در اینجا بود که حس کردم اتفاقی افتاده است. گویا در اوین یک مامور به پسرخاله محمد می‌دهند تا به بیمارستان لقمان برود که در آنجا دیدم محمد را به تخت بسته‌اند (گریه پدر محمد)

مرتضوی در دادگاه از من و خانواده‌ام عذرخواهی کرده. اگر فیلم این دادگاه روزی در رسانه‌ها ارایه شود، مشاهده می‌کنید که می‌گوید من خلاف کردم، دادیار من خلاف کرده و من عذرخواهی می‌کنم و دست و پای شما را می‌بوسم. ما هم پاسخ دادیم در رسانه از مردم ایران و خانواده جانباختگان عذرخواهی کن

اجازه بدهید کمی به موضوع دادگاه بپردازیم و از این بحث بگذریم.

نه... او در آنجا در حالت کما و تب شدید بود و گفتند حدود ۲۴ساعت است که اینجاست اما اقدام پزشکی برای ایشان نمی‌شود انجام داد. اما برای پایین آمدن تب، حوله روی صورت او می‌گذاریم. بدنش داغ بود و پاهایش شدیدا به هم می‌خورد. بعد از تشریفات اداری محمد را به بیمارستان مهر منتقل کردیم، یکی از دوستان دایی‌اش که پزشک بود ما را آنجا دید و وقتی محمد را دیده بود به دایی‌اش گفته بود مگر اینکه معجزه‌ای شود تا حالش خوب شود وگرنه کاری نمی‌شود کرد. مجموعه کادر بیمارستان مهر همکاری فوق‌العاده‌ای داشتند. آن شب حال محمد وخیم شد و ما که به خانه بازگشته بودیم تماس گرفتند که حال او خوب نیست و بعد از مراجعه ما، از بین ما رفت... فردای آن روز در بیمارستان و کلانتری۱۳۸ کالج جهت تنظیم شکایت و انتقال پیکر محمد به پزشکی‌قانونی حضور پیدا کردیم و بعد از اینکه من از پزشکی‌قانونی برگشتم، فهمیدم موضوع رسانه‌ای شده است.

برای کهریزک دو دادگاه برگزار شد که دومین آن، در مورد سه قاضی تعلیق‌شده یعنی دادستان تهران و معاونان وی بود. اینکه یک قاضی نام‌آشنا و توانا را برای ریاست دادگاه انتخاب کردند و دادگاه به‌طور جدی پیش رفت، برای شما چه پیامی داشت؟

توقع ما بیش از اینها بود اما وقتی در سیستم قضایی وارد می‌شدم، می‌شنیدم که با توجه به شناختی که از متهم ردیف اول دارند، کار دشواری برای به دادگاه کشاندن او وجود دارد. به هر حال او پس از تعلیق از قضاوت هم ریاست مجموعه بسیار مهم تامین‌اجتماعی را برعهده گرفته بود. خوشبختانه پس از سه‌سال اولین و تنها پرونده‌ای که رسیدگی شد - با توجه به تعداد زیاد پرونده‌هایی که مرتضوی داشت- و در صحن دادگاه آمد پرونده کهریزک بود که البته من نسبت به دو عزیز دیگر یعنی روح‌الامینی و جوادی‌فر، زودتر شکایت کرده بودم. می‌دانید پرونده محمد ما با پرونده عزیزان دیگر جداست. الان هم پرونده محمد در دیوانعالی کشور است و پرونده آقای روح‌الامینی در دادسرای کارکنان دولت است. پس از ۱۷ماه که پرونده از دادسرای کارکنان به دادگاه ارجاع شد و سه‌مرتبه آمده و رفته و نهایتا تبرئه مرتضوی را نقض کردند، پرونده به دیوان رفته است. اما همان‌طور که گفتید پس از ۱۱جلسه دادگاه گفتند خدا رو شکر اتفاق خوبی شکل گرفته و پنج‌مستشار هم آرای خوبی جمع‌آوری کردند. اما پس از ابلاغ رای تغییراتی اتفاق افتاد.

مگر هم مورد شما و هم مورد آقای روح‌الامینی و جوادی‌فر که اعلام رضایت کرده است، مربوط به یک موضوع نیست؟

چرا، اتفاقا تلاش کرده‌ایم پرونده‌ها یکی شود چرا که یکی در دیوان است و دیگری دادسرای کارکنان دولت. اینجا جای سوال است که چرا با هم به دیوان نرفته است؟ البته ناگفته نماند استارت شکایت من نسبت به آقای روح‌الامینی، با فاصله اتفاق افتاده است و به‌لحاظ وجه اشتراک چون دادگاه در مقام بالاتری نسبت به دادسرای کارکنان بود، گفتند هر رایی برای محمد بدهند شامل روح‌الامینی هم خواهد شد.

مرتضوی چند جا عنوان کرده سیاسی دارد برخورد می‌شود و او بیگناه است. این موضوع را در دادگاه هم بیان می‌کرد؟

او در دادگاه از من و خانواده‌ام عذرخواهی کرده اگر فیلم این دادگاه روزی در رسانه‌ها ارایه شود، مشاهده می‌کنید که می‌گوید من خلاف کردم، دادیار من خلاف کرده و من عذرخواهی می‌کنم و دست و پای شما را می‌بوسم. ما هم پاسخ دادیم همان‌طور که روز اول می‌گفتی بچه‌های ما «مننژیت» گرفته‌اند، حالا در رسانه از مردم ایران و خانواده جانباختگان عذرخواهی کن و تغییر رویه بده تا من ببخشم. او در دفتر دکتر کمالی وکیل ما اینها را می‌گفت اما در عمل انجام نمی‌داد.

رخداد کهریزک ورای تلخی آن، شرایطی را پدید آورد که پس از دستور مقام معظم رهبری برای تعطیلی این بازداشتگاه، رسانه‌ای‌شدن و پیگیری شما و خانواده دیگر جانباختگان، حتما توجه بیشتر قضات و پلیس برای برخورد با متهمان اعم از سیاسی یا غیرسیاسی را معطوف کرده است.

هدف من از پیگیری همین است. محمد برای من بازنمی‌گردد و هدف، تغییر رویه و اصلاح رویه است تا تکرار نشود.

گویا دیوان اعلام کرده تا پایان شهریور، حکم را صادر می‌کند.

شعبه ما در دیوان، از افراد محترم و پیگیری تشکیل شده است. البته تا مدتی مستشار نداشتند و یک‌ماه پیش که در آنجا حضور پیدا کردم مستشار جدید گفت به‌زودی پرونده را به دقت می‌خوانم و نظرم را به رییس اعلام می‌کنم. زمان هم مشخص نکردند اما فکر می‌کردم زودتر از این تاریخ هم ممکن است به نتیجه‌برسد.

وکیل آقای حیدری‌فر گفته بود بر اساس پیگیری، تا شهریور حکم از دیوان صادر می‌شود.

وکلای اینها در شعبه ۱۵دادسرای کارکنان دولت انصراف دادند اما گویا مرتضوی شخص دیگری را به‌عنوان وکیل معرفی کرده و این را به نقل از شعبه مذکور می‌گویم.

محمدجواد حق‌شناس در گفت‌وگو با «شرق»:

مدیریت بحران «کهریزک»، به‌درستی انجام نشد

حسین سخندان: پیشگیری بهتر از درمان است. حال اگر بیماری رخ داد، تشخیص درست و مدیریت بیماری است که سبب بهبودی می‌شود. این چکیده کلام مدیرکل سیاسی وزارت کشور دولت اصلاحات است. محمدجواد حق‌شناس، به‌واسطه عضویت در شورای مرکزی حزب اعتماد ملی و مدیرمسوولی ارگان این حزب، چهره‌ای سیاسی- رسانه‌ای به‌شمار می‌آید. وی در گفت‌وگو با «شرق»، از زاویه‌ای دیگر به ماجرای «کهریزک» پرداخت که در ادامه می‌آید.

به‌عنوان یک کارشناس سیاسی و فردی که در مقطع رخداد «کهریزک»، مدیرمسوول روزنامه بودید، توقع آن رخداد را داشتید؟

نه. اتفاق ناگواری بود. به‌هرحال رویه معمول این است که در شرایطی که یک اعتراض در آن سطح رخ می‌دهد، مسوولان مربوطه نهایت دقت را برای مواجهه با آن صورت می‌دهند. به‌ویژه در زمینه برخورد با افرادی که بازداشت می‌شوند به‌دلیل اینکه عمدتا دارای گرایش و عقاید سیاسی یا صنفی بوده و از اقشار خاص جامعه به‌شمار می‌روند.

به‌هرحال دستور انتقال به بازداشتگاهی با شرایط «کهریزک» داده شده است.

یکی از مشکلاتی که در آن سال داشتیم این بود که مدیران مربوطه آمادگی مدیریت بحران را نداشتند. در کشورهای دیگر اگر وقایعی رخ دهد که مقیاس آن حتی از سطح عادی هم کوچک‌تر است، برای مواجهه با آن کمیته‌های تخصصی شکل می‌گیرد. اما چه به‌لحاظ حجم و چه غیرمترقبه‌بودن، اگر شرایط بحران به خود بگیرد مجموعه‌های ملی مدیریت بحران در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی تشکیل می‌شود تا با حداقل هزینه، آن واقعه مدیریت شود چراکه اعتراض در همه کشورها می‌تواند رخ دهد و موضوع عجیبی نیست. اتفاقات از این دست از لحاظ منشا حادثه به دو نوع تقسیم می‌شوند؛ حوادث طبیعی و دیگری حوادث اجتماعی که شکل متفاوتی به خود می‌گیرند. می‌توانید از این حوادث طبیعی مانند زلزله، گردباد، آتشفشان و سونامی یاد کرد. سونامی ژاپن رخ داد و تخریبی که در نیروگاه هسته‌ای ایجاد کرد، تبدیل به بحران اتمی شد که پس از چرنوبیل، نظیری نداشت و با مدیریت بحران این کشور، حداقل آسیب را در پی داشت. یا ایالات‌متحده که با گردبادها و توفان‌های متعدد مواجه می‌شود، با تشکیل سریع ستاد بحران در پی کاهش صدمات به مردم است. زلزله رودبار و بم و موارد اینچنین هم در ایران زلزله‌خیز، سبب تشکیل ستادهایی شده که معمولا با هماهنگی‌های بین دستگاهی در اینگونه موارد، واکنش لازم را صورت می‌دهند. به‌هرحال مواجهه با این بحران‌ها برعهده وزارت کشور است اما در حوزه مسایل اجتماعی، گاهی باید دستگاه‌های دیگر هم وارد شوند. موضوع تصادف جاده‌ای اگر در یک حجم و گستره بالا فرضا در یک بزرگراه پرتردد کشور رخ دهد مانند حادثه اتوبان قم یا حادثه سقوط هواپیما یا مثلا حادثه راه‌آهن نیشابور که ابعاد آن به طرح سوال نماینده مجلس از وزیر یا استیضاح هم منجر می‌شود، حوادثی است که جنبه غیرمترقبه دارد اما می‌تواند دامنه اجتماعی هم پیدا کند. برخی بحران‌های اجتماعی، پتانسیل تبدیل به فاز سیاسی و سپس به فاز امنیتی را دارد. وقایع سال ۸۸ مجموعه‌ای از حوادث اجتماعی، سیاسی و امنیتی و این شرایط خاص را پدید آورد. شاید در بررسی وقایعی که معلول بودند تا علت، کمتر به این وجه از ماجرا توجه شده باشد. بسیار خب! واقعه «کهریزک» رخ داده اما مجموعه عوامل بسترساز این مساله چه بوده است؟ مدیریت بحران در نظام مدیریتی کشور، چندان مورد توجه قرار نگرفته بود و در آن مقطع خاص، بعضا تصمیماتی دیدیم که کارآمدی لازم را نداشت.

شاید در بررسی وقایعی که معلول بودند تا علت، کمتر به این وجه از ماجرا توجه شده باشد. بسیار خب! واقعه «کهریزک» رخ داده اما مجموعه عوامل بسترساز این نوع تصمیم‌گیری، چه بوده است؟ مدیریت بحران در نظام مدیریتی کشور، چندان مورد توجه قرار نگرفته بود

در کشورهای دیگر، واکنش به چنین اتفاقاتی چگونه است؟

اخیرا در کره، کشتی دانش‌آموزان در آن حادثه غرق شد و تا استعفای نخست‌وزیر پیش رفت این حادثه بزرگ است و آثار آن کل جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و حتی دنیا به آن حساس می‌شود. برای پیشگیری از تبعات اجتماعی، بررسی شد که کوتاهی صورت گرفته یا نه و چه میزان آن قابل پیش‌بینی بوده است. وقتی مشخص شد مدیریت مناسبی صورت نگرفته است، عده‌ای احساس مسوولیت می‌کنند و چون نمی‌توانند افکار عمومی را قانع کنند استعفا می‌دهند. مسوولان کشتی هم از کاپیتان و ملوانان محاکمه شده و مسوولانی که غیرمستقیم درگیر بودند استعفا می‌دهند. اما در حوادث ۸۸ با وجود آنکه یک مساله اجتماعی رخ داد، وزارت کشور به‌عنوان یکی از بخش‌های اصلی کنترل‌کننده این حوادث، کجای کار بود؟ یا خود رییس‌جمهور که مسوول امنیت کشور است آیا به سمت مهار و مدیریت بحران رفت؟ فارغ از اینکه او یک کاندیدا بود اما در همان مقطع، رییس‌جمهور هم بود و باید بین این دو سمت، تفکیک قایل می‌شد. سخنان علی مطهری در مورد نوع مواجهه‌ای که تندروهای موسوم به دلواپس در رابطه با مسایل ۸۸ دارند که قایل به بررسی مسوولیت احمدی‌نژاد در آن مقطع است، ناظر بر همین مسوولیت است. اما در سوی مقابل، آقای هاشمی به‌عنوان یکی از نیروهای سرد و گرم‌چشیده سیاسی در آخرین خطبه نماز جمعه خود، تلاش می‌کند راه‌حلی بینابین ارایه کند تا بتوان فضا را کنترل کرد و از آسیب بیشتر پیشگیری کرد.

گویا قبل از مداخله و دستور رهبری برای تعطیلی «کهریزک»، قرار بر تعطیلی این بازداشتگاه بوده است.

یادم می‌آید در همان مقطع برای پرونده‌ای می‌رفتم دادسرای تهران و شنیدم آوایی، رییس کل دادگستری از قبل نامه داده بود به مرتضوی که «کهریزک»، شرایط استاندارد ندارد و باید پلمب شود اما موقعیت مرتضوی به‌گونه‌ای بود که تمکین نمی‌کرد. نظارت‌ناپذیری و عدم رعایت قانون، متاسفانه چنین حادثه تلخی را پدید آورد. به‌هرحال اگر رهبری دستور تعطیلی صادر نکرده بودند، برخوردی هم صورت نمی‌گرفت. دلیل ندارد در تمام مباحث اینچنین، بالاترین مقام نظام وارد شود. خود سیستم‌های ذیربط با ابزارهای لازم می‌توانند برخورد صورت دهند.

اما مرتضوی به‌هرحال محاکمه شد.

من فکر می‌کنم در این بخش باید مجلس جدی‌تر برخورد می‌کرد و مانع رفتن مرتضوی به تامین اجتماعی می‌شد که منجر به تقابل دولت و مجلس شد. فکر نمی‌کنم به سمتی برویم که روی مساله مرتضوی چشم ببندیم. او با وجود آنکه تعلیق شده بود و متهم ردیف اول «کهریزک» بود، رییس تامین اجتماعی شد و این باور را ایجاد کرد که چهره‌ای غیرقابل دسترسی است. به‌هرحال دادگاه حکم داده و با اعتراض خانواده جانباختگان، پرونده به دیوانعالی کشور رفت.

کنکاش

داریوش قنبری در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

حساسیت مجلس هشتم در مورد کهریزک

طیبه میرحسینی

● از زمانی که نام بازداشتگاه «کهریزک» مطرح شد تا به امروز، حدود پنج‌سال می‌گذرد و مباحث بسیاری در این‌باره مطرح شده است. یکی از نهادهایی که در آن مقطع، درگیر این موضوع شد، کمیته منتخب مجلس هشتم بود. داریوش قنبری نماینده اصلاح‌طلب آن دوره در گفت‌وگو با «شرق» به وضعیت مجلس و تلاش‌های صورت‌گرفته در این‌باره پرداخت که در ادامه می‌آید:

یکی از مواردی که بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم مساله‌ساز شد، بازداشتگاه «کهریزک» بود، قضیه این بازداشتگاه دقیقا از کجا شروع شد؟

بازداشتگاه «کهریزک» نام بازداشتگاهی در شهرسنگ از توابع شهری استان تهران است که تا میانه تابستان۱۳۸۸ ناشناخته بود اما در جریان اعتراضات پس

از انتخابات ریاست‌جمهوری شهرت خاصی پیدا کرد. حوادث به وقوع‌پیوسته در این بازداشتگاه حاکی از این بوده که این محل استانداردها و شرایط لازم را برای حفظ حقوق بازداشت‌شدگان نداشت که پس از مرگ محسن روح‌الامینی، انتقادات گسترده‌ای درباره آن مطرح شد و رهبری دستور تعطیلی آن را صادر کردند.

در آن مقطع با وجود فضایی که در کشور وجود داشت، در برخی موارد مجلس به مسایل ورود می‌کرد. با توجه به اینکه شما از نمایندگان حاضر در آن مجلس بودید، واکنش مجلس هشتم در برابر حوادث بازداشتگاه «کهریزک» چگونه بود؟

اکثریت نمایندگان مجلس هشتم حساسیت خاصی برای بررسی این حادثه داشتند به‌خصوص بعد از اینکه رهبری موضع خود را در این‌باره اعلام کردند البته عده‌ای هم بودند که تمایلی به بررسی این موضوع نداشتند. به هر حال پس از تذکر و تاکید علی لاریجانی، رییس مجلس پیرامون وظایف دستگاه قانونگذاری برای بررسی مسایل مختلف کشور، کمیته‌ای جهت پیگیری مسایل مربوط به بازداشت‌شدگان و التهابات پیش‌آمده پس از انتخابات دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، متشکل از جمعی از اعضای کمیسیون‌های امنیت ملی، قضایی، بهداشت و درمان و آموزش و تحقیقات تشکیل شد که طبیعتا دستورات، بیانات و تاکیدات مقام‌معظم‌رهبری مسیر این پیگیری‌ها را هموار و انگیزه این کمیته را در استمرار جدی اقدامات خود مضاعف کرد. پس از آن نیز گزارش‌های مختلفی قرائت شد که یکی از این گزارش‌ها، ناظر بر ماجرای «کهریزک» و بررسی نقش عوامل مختلف در این حادثه تلخ و آسیب‌رسان به منافع ملی بود.

به نظر شما آیا تعدیلی در گزارشات ارایه‌شده از سوی کمیته مجلس صورت گرفته بود؟ کیفیت این گزارشات چگونه بود؟

دی ۸۸ گزارشی که کمیته ویژه بررسی حوادث «کهریزک» تهیه کرده بود در مجلس قرائت شد که هر چند گزارش خوبی به‌نظر می‌رسید، اما برخی موارد مانند مرگ پزشک «کهریزک» که در آن روزها بارها مطرح شد، نقش برخی از افراد و... زوایای مغفول‌مانده در این گزارش بود که همان سال نیز آنها را مطرح کردیم بنابراین این گزارش نیز آنطور که باید، روشنی و شفافیت لازم را نداشت. البته با توجه به اینکه بنده در آن کمیته حضور نداشتم، تمام گفته‌هایم بر اساس حدس و گمان است و بهتر است در این‌باره از اعضای حاضر در آن کمیته سوال کرد. اما تمامی گزارشات ارایه‌شده نشانگر این است که به بررسی تمامی ابعاد آنطور که مورد انتظار همه بود، پرداخته‌نشد.

بررسی‌های انجام‌شده در مورد «کهریزک» تا چه اندازه در پاسخگویی به ابهام و انتظار مقامات و افکارعمومی موثر بود؟

در حادثه بازداشتگاه «کهریزک» هرچند مسایلی روشن شد اما ابهامات زیادی وجود داشت که حل‌نشده باقی ماند. کمیته و تیم‌های حقیقت‌یابی که برای بررسی ابعاد و زوایای مختلف این مساله تشکیل شده بود، گزارشی از تحقیقات و ارزیابی خود را ارایه کردند اما آنطوری که انتظار مردم و جامعه بود اطلاع‌رسانی شفافی از آنچه در «کهریزک» اتفاق افتاده بود، صورت نگرفت. البته بخشی از آن به شرایط خاص آن‌روزها بازمی‌گشت و بخشی به افرادی که درگیر این ماجرا بودند که البته در سال‌های بعد، دادگاه آنان برگزار شد. اما باید توجه داشت با نظر به حساسیت مقامات ارشد نظام و افکارعمومی از اینکه باید بررسی دقیق از آنچه در «کهریزک» اتفاق افتاد صورت گیرد. در آن مقطع درباره قضیه «کهریزک» آنچه همه ما در جریان آن قرار گرفتیم قصور و کوتاهی چند مامور، علت ماجرا عنوان شد، اما اینکه آیا از مدیران، فرماندهان یا قضات سطح‌بالا کسی در این قضیه نقشی داشته است یا نه و اینکه مرتضوی چه نقشی در این مساله داشته است، شفاف‌سازی چندانی صورت نگرفت و پس از دادگاه نیز او و دو قاضی تعلیق‌شده دیگر، اتفاقا در مقام طلبکاری از دادگاه و قاضی و خانواده‌های کشته‌شدگان برآمدند. در حالی که بررسی‌های انجام‌شده باید به نتیجه‌ای می‌رسید که تمامی مجرمان این قضیه باید محاکمه می‌شدند و تمامی مقصران ماجرا مجازات شوند.

ادامه در صفحه ۷